

بنیان‌های اندیشه سیاسی شهید بهشتی در گفتمان انقلاب اسلامی

دکتر هادی ابراهیمی کیایی
سید محمد جواد قریبی

www.ketab.ir

سروش
تهران ۱۴۰۰
شماره ترتیب انتشار: ۱۹۳۴

سرشناسه: ابراهیمی کیایی، هادی، ۱۳۵۳ -	
عنوان و نام پدیدآور: بنیان‌های اندیشه سیاسی شهید بهشتی در گفتمان انقلاب اسلامی / هادی ابراهیمی کیایی، سید محمد جواد قربی.	
مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران (سروش)، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۲۵۸ ص.	
فروست: سروش؛ ۱۹۳۴. شابک: ۴-۱۹۵۱-۱۲-۹۶۴-۹۷۸	
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع: بهشتی، سید محمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۰. موضوع: Mohammad Beheshti	
موضوع: بهشتی، سید محمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی	
موضوع: بهشتی، سید محمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره اسلام	
شناسه افزوده: قربی، سید محمد جواد، ۱۳۶۸ -	
رده‌بندی کنگره: DSR۱۶۶۰	
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۴۵۲	
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۹۳۷۸ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

www.ketab.ir



انتشارات سروش و سیما، جمهوری اسلامی ایران

بنیان‌های اندیشه سیاسی شهید بهشتی در گفتمان انقلاب اسلامی |

نویسنده: دکتر هادی ابراهیمی کیایی (عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما)، سید محمد جواد قربی |
صفحه آر: اعلیٰ اصغر مالک | طراح جلد: امین جهانی |
چاپ اول: ۱۴۰۰ | قیمت: ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال | شابک: ۴-۱۹۵۱-۱۲-۹۶۴-۹۷۸ |
این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد. |
تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش |
مرکز پخش: ۱۰۶۱۰۳۱۰۸۸-۶۶۴۹۳۶۲۲ | سامانه پیامکی: ۳۰۰۵۳۵۶ |
| همه حقوق محفوظ است. | www.soroushpublishing.com |

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۵	فصل اول: بنیان های اندیشه شهید بهشتی
۱۷	مقدمه
۱۹	زندگی سیاسی، اجتماعی و علمی شهید بهشتی
۲۶	الف. تجربه رژیم پهلوی و نظام سیاسی غیر اسلامی
۲۷	ب. هجرت به آلمان و آشنایی با اندیشمندان و افکار گوناگون
۳۱	پ. مادی گرایی افراطی انسان معاصر
۳۴	ت. ظهور مکاتب مختلف و گمراهی جامعه انسانی
۳۶	آثار سیاسی شهید بهشتی
۴۰	مبانی فکری و نظری شهید بهشتی
۴۲	الف. هستی و خداشناسی
۴۸	ب. انسان شناسی
۶۰	اسلام به عنوان منبع اصلی اندیشه های شهید بهشتی
۶۷	فصل دوم: مفاهیم سیاسی شهید بهشتی در نسبت انقلاب اسلامی
۶۹	مقدمه
۷۰	امنیت
۷۳	رویکرد اجتماعی به امنیت
۷۶	ظرفیت های ملی و حفظ امنیت داخلی
۷۷	امنیت قضایی و استمرار انقلاب اسلامی
۸۰	قدرت
۸۳	الف. رویکرد انتقادی نسبت به مکاتب مادی قدرت
۸۵	ب. قدرت حق و باطل
۸۹	پ. قدرت به مثابه ابزار خدمت
۹۱	حکومت
۹۲	الف. نظام های غیر اسلامی

۹۳	ب. نظام‌های اسلامی
۹۴	۱. ضرورت حکومت
۹۶	۲. حکومت مطلوب
۱۰۰	۳. شکل و نوع حکومت
۱۰۵	۴. حکومت جمهوری اسلامی و نظام امام-امت
۱۰۹	عدالت
۱۱۲	الف. مفهوم عدالت و کاربردهای آن در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی
۱۱۶	ب. نظام عادلانه اجتماعی
۱۱۹	حزب و تحزب
۱۲۶	الف. حزب الله و حزب الشیطان
۱۲۷	ب. نحوه فعالیت احزاب در حکومت اسلامی
۱۳۰	رهبری و ولایت فقیه
۱۳۴	الف. ضرورت استمرار رهبری در جامعه اسلامی
۱۳۴	ب. مفهوم‌شناسی ولایت فقیه
۱۳۷	پ. رابطه امام و امت
۱۴۰	ت. اهداف و آثار رهبری / مدیریت دینی
۱۴۲	آزادی
۱۴۸	انواع آزادی در حکومت اسلامی
۱۵۳	فصل سوم: شهید بهشتی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۵۵	مقدمه
۱۵۶	بررسی یک اثر حقوقی-سیاسی؛ مبانی نظری قانون اساسی
۱۵۷	قانون و مختصات آن در اندیشه شهید بهشتی
۱۵۷	الف. مفهوم قانون
۱۵۹	ب. قانون حق و قانون باطل
۱۶۱	پ. انواع قانون از منظر مبدأ شکل‌گیری
۱۶۲	۱. قانون استبدادی فردی
۱۶۳	۲. قانون استبدادی طبقاتی

۱۶۴	۳. قانون ملی
۱۶۶	۴. قانون مسلکی و جهانی
۱۶۷	شهید بهشتی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۶۹	الف. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۷۰	۱. قانون اساسی به مثابه دستگاه گردش خون
۱۷۰	۲. قانون اساسی به مثابه مبنای عمل و حرکت وحدت گرایانه
۱۷۳	۳. قانون اساسی به مثابه بیانیه اصل بندگی شده و تنظیم شده انقلاب اسلامی
۱۷۵	ب. زیربناهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۷۵	۱. زیربنای اول؛ نظامی مردمی مبتنی بر اسلام
۱۷۶	۲. زیربنای دوم؛ سازنده و تکامل بخش آینده محیط اجتماعی
۱۷۷	۳. زیربنای سوم؛ مشارکت مردمی و مدیریت انقلابی
۱۷۸	مردم سالاری دینی تکاملی در قانون اساسی
۱۸۵	نظارت مردمی در قانون اساسی
۱۸۹	شهید بهشتی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی
۱۹۵	فصل چهارم: آسیب های سیاسی انقلاب اسلامی از منظر شهید بهشتی
۱۹۷	مقدمه
۱۹۸	دوری از سیاست مبتنی بر صداقت و صراحت
۲۰۴	نفوذ منافقان در عرصه های سیاسی و اجتماعی
۲۰۹	فقدان محبت، الفت و دوستی در سطح جامعه
۲۱۶	سلب آزادی های مدنی
۲۲۰	بی اعتنائی به قانون اساسی
۲۲۳	حفاظت نکردن از هویت اسلامی انقلاب
۲۲۶	مهیا نبودن شرایط انتقاد سالم از کارگزاران و رهبران جامعه
۲۲۹	تضعیف ایمان در جامعه
۲۳۲	تبیین نکردن از رهبری در جامعه اسلامی
۲۳۵	نتیجه گیری
۲۳۹	منابع

پیشگفتار

«در جهان پرتلاطم امروز، آیات پرشور الهی و کلام روح بخش معصومین و زمزم لایزال معارف شیعه مرهم جان‌های خسته و سیراب‌کننده تشنگان هدایت و رهایی جویندگان از ظلمت‌های نفس است. عالمان دینی و عارفان حقیقی، غواصان این اقیانوس بیکران معرفت‌اند که گوهرهای ناب علوم قرآن و اهل بیت، علیهم السلام، را به دست آورده و به مشتاقان حقیقت عرضه می‌نمایند و عالمان آگاه و هادیان دلسوز، که عمر خویش را صرف تتبع و تحقیق در آثار علمی شیعه نموده‌اند، عباد الله را به مصداق کریم «اذْعِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»، با کلام نغز و لطیف خود به راه سعادت دعوت کرده‌اند.»^۱

بشر عصاره نظام خلقت و برترین موجود آفرینش است. جوامع بشری، تجلی رشد و تکامل انسان‌ها هستند؛ عصاره جوامع انسانی و گل سرسبد آن‌ها، دانشمندان و متفکران می‌باشند. سامان و پیشرفت جهان و جوامع بشری، مدیون اندیشه اندیشمندان است؛ اگرچه اغلب، سیاستمداران در ظاهر نقش اساسی را ایفا می‌کنند. شاید بهتر است بگوییم جامعه مطلوب بر محور اندیشه اندیشمندان سیاسی می‌چرخد و سیاستی که مبتنی بر تفکر و اندیشه دانشمندان نباشد، اگر جامعه

۱. حسین انصاریان، اندیشه در اسلام، تهران، انتشارات دارالعرفان، ۱۳۸۹، ص ۱.

را تخریب نکند و به انحطاط نبرد، خود مایه مسرت و خوشبختی است.^۱ از این رو، انسان‌های بزرگ و علی‌الخصوص اندیشمندان سیاسی می‌توانند در تغییر و تحول سرنوشت تاریخی جوامع و ملت‌ها مؤثر و سرنوشت‌ساز باشند. بسیاری از آنان در سرتاسر تاریخ بشریت بر کره خاکی، توانسته‌اند روحیه، خلق و خو، عادات و سنن و فرهنگ ملت یا جامعه‌ای را دستخوش تحول کنند و با ایجاد دگرگونی در جوامع بشری، آن‌ها را به سوی تمدنی عالی‌تر سوق دهند. این نظریه بر این اساس بیان می‌شود که جوامع انسانی در کل دارای سیری تکاملی و رو به رشدند؛ هرچند گاهی دچار فراز و فرود می‌شوند. تکامل و پیشرفت جوامع بشری می‌تواند معلول علل متعددی نظیر نوع شناخت و آگاهی مردم آن جوامع، نوع رفتار، مکتب و نوع نگرش انسان‌ها و رهبران بزرگ آن‌ها باشد. در این میان، یکی از عوامل مهم پیشرفت و تحول جامعه، انسان‌های بزرگ یا به تعبیر دیگری، قهرمانان و نوابغ هستند که با ایجاد تحول در وجود خود، جامعه را نیز متحول می‌سازند. در میان این نوابغ و قهرمانان، پیامبران و پیشوایان دینی، مصلحان سیاسی و اجتماعی و شهیدان راه حق و هدایت، جایگاه والایی دارند؛ زیرا آن‌ها حرکت خود و جامعه را در جهت مصالح و نیازهای واقعی جامعه تنظیم می‌کنند و بر اساس حق و حقیقت سخن می‌گویند.^۲

در عین حال، از ویژگی‌های انسان‌های بزرگ که زندگی علمی و عملی‌شان جنبه‌های گسترده دارد، این است که دست‌یابی به شخصیت این‌گونه افراد و آگاهی از جنبه‌های گوناگون زندگی فکری آنان کاری دشوار به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی، هر فرد تنها به اندازه آشنایی خود با چنین افرادی می‌تواند به جنبه‌ای از جنبه‌های وجودی آنان آگاهی یابد. شهید سید محمد حسینی بهشتی از جمله شخصیت‌های کم‌نظیر در دوران معاصر سرزمین ماست که در برهه‌ای خاص، بیشتر مردم با جنبه‌های ویژه‌ای از وجودش آشنا شدند. شهید بهشتی در دوران حوادث اول انقلاب، با خلق حماسه‌ای به یاد ماندنی و فراموش‌ناشدنی، راست قامتانه بر عقیده و اندیشه خویش پای فشرد و جاودانه تاریخ شد. دریافت واقعی شخصیت ایشان مستلزم شناخت و آگاهی همه‌جانبه از اهداف و آرمان‌هایی است که او را در جاده پرفراز و نشیب زندگی به حرکت درآورد تا به حیات مادی و معنوی پرثمری دست یافت.^۳ به همین دلیل است که در خصوص شناخت و بررسی این عالم بزرگوار بیان می‌کنند:

۱. علی‌اکبر علیخانی، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۴، جلد اول، ص ۲۰.

۲. محمد حسین جمشیدی، زندگی سیاسی سید محمد باقر صدر با تکیه بر تأثیرگذاری بر انقلاب اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، صص ۱، ۲.

۳. حسن اردشیری لاجینی، ربیافت: گزیده‌ای از دیباغه‌های شهید بهشتی، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۶، ص ۱.

«معرفی راه و رسم وارستگی چون بهشتی در روزگار و شرایط جامعه و فرهنگ ما ضرورتی انکارناپذیر است. امروز جوانان و دانشجویان و طلاب ما به الگوهای چون بهشتی سخت محتاج اند. امروز دین‌شناسی و مطالعات اسلامی و فلسفه و تفقه با الگوی بهشتی بسی کارساز و ثمربخش است. امروز سلوک اجتماعی و سیاسی بهشتی نمونه‌ای روشن و متین از سیاست‌ورزی اسلامی پیش روی ما می‌نهد. سیاستی عاری از جمود، خودکامگی، ارتجاع، وادادگی و وابستگی و آکنده از هوشمندی، عقلانیت، اعتدال، آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی و آزادگی. امید آن دارم که همه علاقه‌مندان به اعتلا و سعادت ایران و همه کوشندگان در راه تحقق اهداف متعالی اسلام این الگوهای گرانبه را بیشتر بشناسند و به نسل جست‌وجوگر امروز معرفی کنند.»^۱

با وجود مطالب فوق، برای عده‌ای از اشخاص این سؤال مطرح است که آیا بازخوانی پروژه فکری شهید بهشتی در فضای امروز ممکن است؟ تحولات اجتماعی، دگرگونی‌های سیاسی و تغییر پارادایم‌های فلسفی و انگاره‌های جامعه‌شناختی در دنیای جدید، با چنان سرعتی رخ می‌دهند که درباره هر مفهومی، جست‌وجوگران را بلافاصله با این پرسش مواجه می‌سازد که چگونه می‌توان به تاریخ اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی راه‌یافت و با واکاوی یک اندیشه یا شخصیت به بازخوانش آن پرداخت؟ واکاوی و بررسی یک مفهوم یا اندیشه، نسبت مستقیمی با امکان فلسفی و جامعه‌شناختی پروژه بازخوانش اندیشه‌ها دارد. بسیاری معتقدند که به دلیل همان تغییرات لحظه به لحظه در دنیای امروز، اساساً چیزی به نام بازخوانی حتی اگر امکان فلسفی و منطقی داشته باشد، به لحاظ جامعه‌شناختی ممکن نیست و امکان وقوعی ندارد. برای مثال چگونه افکار و رفتارهای کسی که سال‌ها پیش و به دور از آموزه‌های امروزین ما می‌زیسته و در ذهن و زبانش، فکر و سخنی از بنیاد متفاوت با اندیشه و گفتار کنونی داشته است، می‌تواند مرجع نظرورزی و عمل ما قرار بگیرد؟ به زعم این افراد، گذشته از آن گذشتگان است و امروز صحنه کارزار امروزیان. می‌توان گذشتگان را بر چشم نهاد و احترام کرد و به نیکی از آن‌ها یاد کرد اما نمی‌توان از میراث آنان چیزی فراخور جهان و زندگی نویافت که رازنو، سازنومی خواهد و جهان جدید، اندیشه‌های جدید. اما شاید بتوان از منظری دیگر به نقد این رویکرد پیشرفت‌گرایانه پرداخت. پیش‌فرض فلسفی منتقدان پروژه بازخوانش، سیرخطی تاریخ و پیشرفت مداوم علم است. بدین خاطر است که در فضای فکری آنان، گذشته فی حد ذاته، متعلق به گذشته است و بر آن رنگ امروز نمی‌توان زد. این پیش‌فرض اثبات‌گرایانه محل مناقشات فراوانی است؛ حتی متصالب‌ترین پوزیتیویست‌های هزاره بیستم و بیست و یکم نیز آموخته‌اند که

۱. آیت‌الله موسوی اردبیلی، «پیام آیت‌الله موسوی اردبیلی به همایش نگاهی دوباره به آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید بهشتی»، در نگاهی دوباره: بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲، ص ۱۴.

پروگرسیسیم بیش از آنکه آموزه‌ای متقن و فلسفی باشد، رؤیایی است که عاشقان علم تجربی در جهان غرب آن را بر ساخته‌اند. از این روست که می‌توان بازخوانی را مفهومی دارای پشتوانه فلسفی و مبنایی برای حرکت‌های احیاگرانه دانست. آنچه در اندیشه امام خمینی (ره)، احیای سنت و تمدن اسلامی نامیده می‌شد و بارها بر ضرورت توجه به آن تأکید شده است، نسبت مستقیمی با همین پروژه بازخوانی دارد؛ بازخوانی اندیشمندانه میراث گذشتگان می‌تواند به بازآفرینی تمدن اسلامی در گفتمان نو منجر شود و تحقق آرمان‌هایی را باعث شود که در اندیشه‌های آن اندیشمندان و بزرگواران موج می‌زد.^۱ در عین حال، توجه به این نکته لازم است که اندیشمند سیاسی با دودسته از نیازها و مقتضیات روبه‌رو است که برخی از آن‌ها نیازهای دائمی و مستمر انسان‌ها هستند و عده‌ای از آن نیازها و دغدغه‌ها مرتبط با نیازهای زمان در پرتو دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی. مسائلی نظیر عدالت، حکومت مطلوب، آزادی، قانون، حاکمیت الله، ارتباط دین و سیاست، اجرایی نمودن احکام شرع، مشروعیت و مقبولیت، قدرت، امنیت، نظم و ثبات سیاسی و اجتماعی، انتظام ملی، پیوند و همبستگی‌های اجتماعی، سنت‌های تاریخی، ولایت و رهبری، حزب و مشارکت سیاسی و اجتماعی، نظارت‌های مدنی و... از مقولاتی هستند که کلیت آن‌ها همواره در تاریخ اندیشه سیاسی مطرح بوده است و متفکران بر اساس میزان فهم و دریافت خویش از منابع اصیل اسلامی به آن‌ها جواب‌هایی داده‌اند. از این رو، اندیشه‌های مرفقی متفکران اسلامی و علی‌الخصوص شهید بهشتی کهنه و منسوخ نمی‌شوند بلکه می‌توانند راه‌گشا و چراغ راه آیندگان باشند و متفکران جدید بر اساس فهم جدید خویش، بر غنای آن‌ها بیفزایند که این امر مسئله‌ای پذیرفته شده می‌باشد که متفکران نسل‌های نو می‌توانند برداشت‌های نوین از منابع اصیل دینی ارائه دهند؛ اما این به معنای نفی اندیشه‌های متفکران گذشته نیست.

نکته بعدی این است که شهید بهشتی یک اندیشمند پرکار بوده که مباحث علمی وی از عمق و منطق استدلال بالایی برخوردار است و علاوه بر حوزه سیاسی، در قلمرو مباحث اقتصادی، اجتماعی، عقیدتی و احکام، فقه پزشکی، هنری، تربیتی و... آراء و برداشت‌های نوینی دارند که بر اساس متون دینی استخراج شده‌اند. هدف از این برداشت‌ها، کمک به برطرف نمودن سؤالات، شبهات، دغدغه‌ها، نیازها و مشکلات جوامع انسانی است و صرفاً منحصر به زمان حال نمی‌باشند؛ به عنوان مثال، در حوزه پزشکی، مسائل مربوط به سقط جنین همچنان در مباحث فقه پزشکی مطرح است و یا در حوزه هنری، موسیقی و نوع تفریحات همواره مورد توجه فقیهان می‌باشند. به طور اخص در قلمرو اندیشه سیاسی نیز مباحثی همچون آزادی و نسبت آن با حکومت اسلامی، عدالت پایدار، حکومت مطلوب، اختیارات و شئون ولی فقیه، حقوق شهروندی، اقلیت‌ها و... همچنان از داغ‌ترین مباحث اندیشه سیاسی متفکران مسلمان است که در مجموعه آثار شهید بهشتی موجود

۱. هدی ملکی، بازخوانش یک شخصیت ماندگار؛ نگاهی به زندگی سید محمد حسینی بهشتی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۷، صص ۷۰۸.

هستند و نظرات ایشان نسبت به خیلی از هم‌دوره‌ای‌های ایشان، از طراوت و تازگی بیشتری برخوردار است و می‌تواند همچنان مورد استفاده قرار گیرد. این تأکید ناشی از این مهم است که مبانی فکری و دستگاه اندیشگی ایشان منطبق با آموزه‌های اسلامی و مبانی انقلاب اسلامی ایران است.

نکته بعدی در خصوص اهمیت بازخوانی اندیشه‌های شهید بهشتی و منسوخ نشدن آن‌ها، کارآمدی اندیشه‌های نظام‌ساز ایشان است؛ به این معنا که، کادرسازی و نظام‌سازی‌های سیاسی، حقوقی- قضایی و اجتماعی ایشان در طی دهه‌های گذشته همچنان از توانمندی لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جامعه ایرانی برخوردار است. قانون اساسی، قوه قضاییه، کارتشکیلاتی حزبی، نظام‌مندسازی نهادهای علمی و حوزوی، تأسیس نهادهای دینی از جمله اقدامات عملی شهید بهشتی می‌باشند که منطبق با سیره و اندیشه‌های نظری ایشان است و همین موضوع دلالت دارد که میان کارآمدی نهادهای انقلاب اسلامی با اندیشه‌های ایشان ارتباط وثیقی وجود دارد. در عین حال باید اذعان داشت اندیشه‌های سیاسی متفکران شیعی برخلاف اندیشمندان غربی، کم‌تر با موضوع کهنه و منسوخ شدن مواجه می‌شوند و علت اساسی این موضوع، همخوانی آراء و تقریرات آن‌ها با آموزه‌های وحیانی و کتاب الله است؛ و از آنجایی که قرآن در بستر زمان کهنه نمی‌شود، اندیشه‌های مستخرج از آن در صورت قرائت صحیح، می‌توانند همواره مورد توجه باشند و در حوزه نهادسازی‌ها، تغییرات سیاسی، آموزش‌های انسانی و تربیت شهروندان و ... مورد استفاده قرار گیرند و تجربیات جدید نظری نیز بر غنای آن‌ها بیفزاید. از آنجایی که شهید بهشتی تأکید زیادی بر برداشت صحیح و قرائت کاربردی از قرآن^۱ داشتند، میزان برخوردگی اندیشه‌های ایشان بسیار اندک بوده و با بازخوانی اندیشه‌های ایشان می‌توان جامعه مسلمانان را از رنج اندیشه‌های ناب این بزرگوار سیراب نمود.

۱. در خصوص اندیشه‌های نهادگرایی شهید بهشتی بنگرید به: شریف لک‌زایی، «نهادگرایی در اندیشه و عمل

شهید بهشتی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۶۷-۱۴۵.

۲. نک: سید محمد حسینی بهشتی، روش برداشت از قرآن، تهران، انتشارات بقیع، ۱۳۹۰، صص ۴۴-۱۱.